

بخش پنجم : مبادلات ارزی

مقدمه

نحوه مبادله ارز با پول ملی در بازارهای ارزی کشور یکی از مواردی بوده است که به دفعات، مورد بررسی مسئولان قرار گرفته است. وجود بازار آزاد که در زمان‌های مختلف از حالت غیر قانونی به شکل نیمه قانونی مورد پذیرش مسئولان کشور بوده است، مشکلات زیادی را برای کنترل ثبات ارزی کشور در پی داشته است. برای رسیدن به ثبات نسبی در بازار ارز، بانک مرکزی قاعده‌ای وضع کرد که مبادلات ارز به صورت واریزنامه ارزی در بورس انجام شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معامله واریزنامه در بورس اوراق بهادار تهران^۱

چکیده

«معامله واریزنامه در بورس اوراق بهادار تهران» گزارشی تشریحی است که هدف آن شفاف کردن عملیات معامله ارز در بورس اوراق بهادار بوده است. برگرداندن ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی به نظام بانکی، یکی از موضوع‌هایی است که در همه حال مسئولان پولی کشور را نگران می‌کرده است. در سال‌های دهه ۱۳۵۰ و تا اوایل سال ۱۳۵۹، بانک‌های کشور در مقابل هر میزان ارز دریافتی از محل صادرات ۱۱ درصد اضافه بر نرخ رایج برابری را به عنوان جایزه به آورنده ارز می‌پرداختند. به تدریج که نظام چند نرخ ارز در کشور رواج یافت، این ۱۱ درصد به صورت وجه‌ناچیزی درآمد که نمی‌توانست انگیزه‌ای برای ورود ارزهای صادراتی به سیستم بانکی باشد. بنابراین به تدریج کنار گذاشته شد.

از آنجا که فرار سرمایه در سال ۱۳۵۸ و پس از آن گسترش یافت، برای تضمین برگشت ارز دریافت پیمان ارزی آغاز شد. در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۶۰ صادرکنندگان می‌توانستند پیمان را معامله کنند. حتی در یک دوره، قیمت ارزهای صادراتی به هر دلار معادل ۶۷۰ ریال رسید. که این وضع تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت. در سال‌های دهه ۱۳۶۰ امکان انتقال ارزهای صادراتی به صورت‌های مختلف، زیاد و کم شد. در پاره‌ای از موارد، حتی ارز بین خریدار و فروشنده مبادله نمی‌شد و فقط مجوز ورود براساس مدرک صدور مورد مبادله قرار می‌گرفت. در این گونه موارد، خریدار خود مسئول تأمین ارز می‌شد. این وضع در نهایت به زیان‌ناهی صادرات غیرنفتی می‌انجامید.

پس از آن که از سال ۱۳۷۲ پیمان ارزی برداشته شد، ورود ارز به نظام بانکی فقط با تمایل دارنده ارز باید صورت می‌گرفت. در طول دوره اجرای این سیاست، ورود ارز به نظام بانکی بسیار کند شد. هر چند تفاوت نرخ ارز در بازار آزاد در مقایسه با

۱. این مقاله گزارشی است که در «دفتر بررسی‌های اقتصادی» در خرداد ۱۳۷۸ تهیه و با شماره ۱۸۰۲۵۴۳ در مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده است.

نظام بانکی بسیار محدود بود و بانک مرکزی، نرخ برابری را با عنایت به وضعیت بازار تعیین می کرد

نظام ارزش گذاری بر ریال (در دوره نخستین شناوری ریال) بسیار دلبخواهی و فاقد هرگونه بینش ساختاری بود. در عمل، معاون ارزی بانک مرکزی تعیین کننده نرخ بود. تصمیم این مقام براساس گفتگو با نمایندگان بانک در بازار و نظرخواهی های موردی صورت می پذیرفت. به تدریج که فروشندگان ارز در بازار آزاد به داخل بانک راه یافتند، مشکلات بانک مرکزی افزایش یافت. سرعت گرفتن افزایش نرخ ارز و تضعیف ریال در نهایت بانک مرکزی را بر آن داشت تا از تغییرات جدی در نرخ ارز دست بردارد.

سکون نرخ های اعلام شده توسط بانک مرکزی، مشکل بازار ارز را حل نکرد. صادرکنندگان قادر بودند ارزهای خود را به هر نرخی که می خواستند در بازار بفروشند. هیچ کس سندی هم مبادله نمی کرد. این وضع دو مشکل جدی به وجود آورد.

۱- نرخ های بانک مرکزی بی مورد شد. زیرا این نرخ ها مبنای مبادله در بخش خصوصی نبود و وجود نرخ های بالاتر از نرخ بانک مرکزی فقط حاصل سودجویی می شد.

۲- از لحاظ حسابداری به ویژه در مورد مالیات ها، نرخ های مبادله شده یا اعلام شده در دفاتر شرکت ها، مورد پذیرش نبود. بنابراین نظام حسابداری مخدوش شده بود.

این نابسامانی ها برای یک دوره، ذهن مسئولان را به خود مشغول کرد. ولی به تدریج که انگیزه های سودجویی در بازار آزاد ارز شدت گرفت و مسئولان ناگزیر شدند سیاست شناوری را به سیاست تثبیت ارزش ریال تغییر دهند، تب و تاب معاملات ارزی صادرکنندگان هم به دلیل ممنوع شدن واردات بدون انتقال و واردات در مقابل صادرات، فروکش کرد.

از اردیبهشت ۱۳۷۴ دوباره پیمان سپاری اجباری شد و صادرکنندگان موظف شدند که ارزهای دریافتی خود را به سیستم بانکی برگردانند. در این وضعیت، مبادلات ارزی خارج از سیستم بانکی متوقف شد و واریزنامه ها فقط باید به بانک آورده و مبلغ آن در بانک پرداخت می شد. بنابراین مشکلات مبادلات خصوصی هم متوقف شد.

مسئولان پولی کشور و قوه مقننه در موارد مختلف پس از آغاز دوره تثبیت، اقدام هایی در جهت هماهنگ شدن چارچوب این سیاست انجام دادند که عمده ترین موارد

هبارت بودند از:

الف- معاف کردن برخی از ارقام صادراتی از پیمان سپاری که عمده ترین موارد در حال حاضر فرش و صنایع دستی است.

ب- مجاز کردن برخی از صادرکنندگان به استفاده از ارزهای صادراتی خود برای ورود پاره ای از ارقام وارداتی.

ج- مجاز کردن صادرکنندگان به واگذاری ارزهای خود به واردکنندگان به شرط اعلام وصول ارز توسط صادرکننده به نظام بانکی.

مورد اخیر که به مبادله واریزنامه معروف شد به این ترتیب بود که صادرکننده پس از ایفاء پیمان، برگه ای دریافت می نمود که براساس آن می توانست مبلغ مشخصی از ارز نظام بانکی وصول نماید. این برگه که واریزنامه نامیده می شد قابل معامله بود. مبادله واریزنامه ابتدا در خارج از نظام بانکی ممکن بود و بنابراین خریدار واریزنامه هنوز با مشکل حسابداری مواجه می شد. برای قانونی کردن مبادله و به اصطلاح سر و سامان دادن به امر انتقال واریزنامه، بانک مرکزی پیشنهاد کرد که مبادلات واریزنامه ها در داخل سازمان بورس صورت پذیرد و کارگزاران بدون شناسایی خریداران و فروشندگان به مبادله واریزنامه بپردازند. گفته می شد که هدف این است که قیمت های واریزنامه شفاف شود.

متأسفانه، برخلاف متون قانونی و مطالب ظاهری، بانک مرکزی از همان ابتدا وارد بازار واریزنامه شد و این مبادله را وسیله تضعیف مؤثر ریال قرار داد. از خرداد ۱۳۷۶ که مبادله واریزنامه در بورس آغاز شد، بانک مرکزی برخلاف تمام ضوابط حاکم بر بازار بورس در تمام جهان، حجم مبادلات واریزنامه را محرمانه اعلام کرد. لذا، همه کارشناسان مالی می پرسیدند چرا حجم مبادلات اعلام نمی شود؟

به تدریج بانک مرکزی به بزرگ ترین عرضه کننده ارز به نرخ واریزنامه ای مبدل شد. ورود بانک مرکزی به بازار واریزنامه برخلاف کلیه قوانین ارزی کشور، خلاف اصول ساماندهی، خلاف برنامه دوم و برخلاف مصوبه های ستاد تنظیم بازار بود که همه بر ثبات نرخ ارز تا پایان سال ۱۳۷۸ تأکید نموده بودند.

مداخله بانک مرکزی از این هم فراتر رفت. زیرا قیمت واریزنامه را هم بانک معین می کرد. به تدریج که درآمد ارزی کشور کاهش یافت، بانک مرکزی منابع مالی محدودتری برای عرضه به بازار داشت. شایعه مداخله بانک مرکزی در گران کردن نرخ ارز در بازار بر پایه دانسته های موردی گروه های مختلف بود و بانک مرکزی هرگز نتوانست ارقامی به مسئولان ارائه نماید که نشان دهد مداخله ای در گران کردن ارز نداشته است. در هر صورت، در زمان کمبود منابع ارزی، به دلیل افت

درآمدهای نفتی، صف انتظار برای خرید ارز واریزنامه‌ای به حدود سه ماه رسید. وقتی درآمد نفت افزایش یافت و بانک مرکزی یقین حاصل کرد که مقداری درآمد ارزی دارد، اعلام کرد که معامله واریزنامه به طور مستقیم انجام می‌شود. اما فراموش کرد که در گذشته هم می‌گفت فروشندگان خودشان نرخ می‌دهند! پس تفاوت در چه بود؟

پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است:

- ۱- چه انگیزه‌ای برای تغییر سیاست وجود داشته است؟
- ۲- زمان انتخاب سیاست جدید بر چه مبنایی بوده است؟
- ۳- میزان مداخله بانک مرکزی در بازار واریزنامه از همان ابتدا تا به امروز به صورت روزانه چقدر بوده است؟
- ۴- روش قیمت‌گذاری در بازار واریزنامه از همان ابتدا تا به امروز چگونه بوده و چه تغییراتی کرده است؟

۵. چرا آمار معاملات واریزنامه‌ای محرمانه بوده و انتشار نیافته است؟ پاسخ صریح بانک مرکزی به این موارد می‌تواند روشن‌کننده باشد زیرا از همان ابتدا، مسئولان بانک - که به ثبات ارزش ریال اعتقاد نداشتند - به یک سری اقدامات مبادرت ورزیده‌اند. مسئولان پولی کشور، همیشه به این نکته توسل جسته‌اند که فروش دلار به نرخ گران‌تر وسیله‌ای برای تأمین کسری بودجه است و در حال حاضر هم بانک مرکزی مقادیر قابل ملاحظه‌ای ارز را در این بازار به نرخ گران می‌فروشد.

در این چارچوب، سؤالات ذیل مطرح است:

- الف) طرح ساماندهی چه خواسته‌ای در مورد ارز داشته و چرا اجرا نشده است؟
- ب) چرا مسئولان پولی به خواسته ستاد تنظیم بازار عمل نکرده‌اند؟
- ج) آیا مصوبه‌ای برای عملکرد جدید در بورس دریافت شده است؟
- د) گزارش توجیهی برای این سیاست کجاست؟
- ه) آیا مسئولان پولی و مالی نمی‌خواهند کشور را به مسیر برگشت ناپذیر تضعیف جدی پول ملی بکشانند؟

برای روشن شدن مطلب لازم است برخی آمار و اطلاعات انتشار یافته نیز ارائه شود. دلار واریزنامه‌ای از اول اردیبهشت در حد ۶۸۶۱ ریال معامله می‌شد و در روز پیش از اجرای سیاست گران کردن دلار در بورس، قیمت آن ۶۸۳۰ ریال بود. قیمت دلار در روز یکشنبه ۲۶ اردیبهشت (یعنی روز چهارم کاری اجرای سیاست) در حد ۷۳۱۶ ریال بود. به عبارت دیگر ظرف مدت ۴ روز ۴۸۶ ریال بر قیمت دلار اضافه

شده است. اين نابسامانی، عواقب ديگری هم دارد که صمده ترين موارد آن به شرح زير است:

- ۱- خريداران سودجو در پي خريد ارز و سود بردن از مابه التفاوت وارد بازار می شوند.
- ۲- کسانی که ارز خريده اند در تبديل آن به توليد همیشه آخرين قيمت را مدنظر قرار می دهند و بنا بر اين، سود باد آورده زيادی نصيب اين خريداران می شود.
- ۳- صادرکنندگان کالاهای غير نفتی در فروش ارز، در حد امکان تاخير می کنند زيرا قيمت به شدت روبه افزايش است. بنا بر اين، بانک مرکزی هر روز پيش از پيش ناچار می شود در اين بازار ارز بفروشد.
- ۴- اقتصاد ملی که توان اين نرخ جديد و نرخ های گران تر ارز را ندارد در نهايت، پيش از پيش دچار تورم توأم با رکود می شود.
- ۵- در وضعيتی که اقتصاد به اصلاح ساختار نياز دارد، هيچ یک از سرمايه گذاری های که می تواند به اين اصلاح منجر شود، با اين نرخ دلار مقرون به صرفه نيست. بنا بر اين، نرخ های فزاينده دلار يا تضعيف مداوم ارزش پول به راستی بازدارنده ورود هر نوع دانش فنی است.
- ۶- در حال حاضر، حجم بدهی های خارجی کشور (که بانک مرکزی آن را تعهدات خارجی می داند) متجاوز از ۲۰ ميليارد دلار است. اگر اين بدهی با روند کنونی دلار بخواهد پرداخت شود، حجم منابع ريالی برای بازپرداخت آنها، چند برابر وضعيت کنونی می شود. به بيان ديگر، تضعيف پول ملی کشوری که به خارج بدهکار است، در واقع نوعی پرداخت يارانه (سوبسيد) به خارج تلقی می شود.